

5511

۹۰۰

۱

۴۶۴

بوسه‌ای کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

www.ketab.ir

نورمغیادی، سیدمجتبی، ۱۳۴۳ -

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن/ سیدمجتبی نورمغیادی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۴۲۴ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۸۲۲) (قرآن: ۴۱۳. علوم قرآن: ۲۳۵)

ISBN 978-964-09-2013-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه: ص. [۴۱۱] - ۴۲۴: همچنین به صورت زیرنویس.

۱. تقاسیر. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۷

BP ۹۱۱

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۵۸۲۵۰۷

۱۳۹۸

■ موضوع: علوم قرآن: ۲۳۵ (قرآن: ۴۱۳)

■ گروه مخاطب: - تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۸۲۲

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۱۶۳

بوستان کتاب

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

سید مجتبیٰ نورمفیدی

تنظیم و تدوین: سید مهدی موسوی





مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

• نویسنده: سیدمجتبی نورمفیدی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۶۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر منطبق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائی)، ص پ ۹۱۷/۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۲۱۵۵۰۷ • مایر: ۳۷۷۴۲۱۵۱ • تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶

❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب • همکاران ۱۷۰ نفر)

❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵، تلفن: ۶۶۹۶۹۸۱۸

❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷

❖ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان امام، تلفن: ۳۷۰۴۱۷۹

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست به

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: محمدرضا منصفی

• اصلاحات حروف نگاری: حسین محمدی • صفحه‌آرایی: سکیته ملازاده و احمد مؤتمنی

• نمونه‌خوانی: علی میری • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش • مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمود هدایی

• اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی

رئیس مؤسسه
محمدباقر انصاری

فهرست مطالب

۲۵	سخن آغازین
۲۷	پیش‌گفتار
۳۱	مقدمه
۴۱	فصل اول: وحیانی بودن الفاظ قرآن
۴۱	خلاصه فصل
۴۱	تبیین موضوع بحث
۴۲	وحی در قرآن
۴۲	۱. وحی رسالی
۴۳	اقسام وحی رسالی
۴۳	الف) وحی مستقیم
۴۳	ب) وحی از ورای حجاب
۴۴	ج) وحی با واسطه
۴۴	۲. الهام
۴۵	۳. القای شیطانی
۴۵	۴. غریزه
۴۵	۵. نظام طبیعت

۴۶	۶. اشاره.....
۴۶	آرا و نظرها درباره منشأ الفاظ و معانی قرآن.....
۴۷	ادله و حیانی بودن الفاظ قرآن.....
۴۷	دلیل اول؛ کتاب.....
۴۸	دلیل دوم؛ لغت.....
۴۹	بررسی دلیل دوم.....
۵۰	دلیل سوم؛ قرآن نازل‌های عربی.....
۵۱	دلیل چهارم؛ تحدی و اعجاز لفظی قرآن.....
۵۳	دلیل پنجم؛ عدم اختیار پیامبر ﷺ برای تغییر قرآن.....
۵۴	ادله و حیانی نبودن الفاظ قرآن.....
۵۵	دلیل اول؛ قرآن نازل‌های بر قلب.....
۵۶	بررسی دلیل اول.....
۵۷	دسته اول.....
۵۸	دسته دوم.....
۵۸	دلیل دوم؛ قرآن، آسان شده به زبان پیامبر ﷺ.....
۵۹	بررسی دلیل دوم.....
۵۹	دلیل سوم؛ عقل.....
۵۹	تقریر اول.....
۶۰	تقریر دوم.....
۶۰	بررسی دلیل سوم.....
۶۱	دلیل چهارم؛ استحالة تحقق لفظ در عالم مجردات.....
۶۱	بررسی دلیل چهارم.....
۶۱	نتیجه.....
۶۳	فصل دوم: نزول قرآن.....

۶۳	خلاصه فصل
۶۳	معنای نزول
۶۳	«نزول» در لغت
۶۴	نزول در اصطلاح
۶۴	اقوال درباره کیفیت نزول
۶۶	عکمت‌های تدریج در نزول قرآن
۶۶	۱. ثبات قلب و تقویت روحی پیامبر ﷺ
۶۷	۲. ایجاد آمادگی پذیرش احکام و پاسخ‌گویی به نیازها
۶۸	۳. تقویت روحیه مسلمانان
۶۸	شأن و سبب نزول
۷۰	اهمیت شناخت اسباب نزول
۷۱	طریق شناخت اسباب نزول و موانع آن
۷۱	طریق شناخت
۷۲	موانع شناخت
۷۲	۱. عدم احساس ضرورت
۷۲	۲. اهتمام به حفظ آیات
۷۳	۳. کثرت روایات جعلی
۷۵	راه‌های اعتماد به روایات اسباب نزول
۷۵	۱. سند روایات
۷۵	۲. کثرت نقل
۷۶	۳. شواهد و قرائن
۷۶	۴. تشخیص سوره‌های مکی از مدنی
۷۶	ارتباط اسباب نزول و تناسب آیات
۷۹	تأثیر شناخت سوره‌های مکی و مدنی
۷۹	۱. تأویل

۸۰	۲. اثبات فضایل اهل بیت علیهم السلام
۸۱	۳. نسخ
۸۳	ملاک مدنی و مکی بودن
۸۳	۱. زمان
۸۳	۲. مکان
۸۴	۳. مخاطب
۸۴	۴. حجم سوره‌ها
۸۴	۵. مضامین آیات
۸۵	بررسی ملاک‌ها
۸۷	اختلاف در مکی یا مدنی بودن بعضی از سوره‌ها و آیات
۸۹	فصل سوم: کیفیت جمع قرآن
۸۹	خلاصه فصل
۸۹	معنای «جمع» در قرآن و روایات
۹۰	۱. حفظ قرآن
۹۱	۲. نگارش قرآن
۹۱	الف) مراحل نگارش قرآن
۹۲	ب) ادوار نگارش قرآن
۹۲	دوره اول، زمان پیامبر صلی الله علیه و آله
۹۳	الف) ترتیب آیات
۹۴	ب) ترتیب سوره‌ها
۱۰۱	دوره دوم؛ زمان ابوبکر
۱۰۱	مصحف علی علیه السلام
۱۰۲	فرجام مصحف علی علیه السلام
۱۰۴	تدوین مصاحف متنوع

۱۰۶	دوره سوم؛ زمان عثمان
۱۰۷	موضع اهل بیت علیهم السلام درباره تدوین قرآن
۱۰۸	حرکت گذاری قرآن
۱۱۱	فصل چهارم: اختلاف قرائات
۱۱۱	خلاصه فصل
۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	تعریف قرائت و ویژگی های آن
۱۱۳	عوامل اختلاف قرائات
۱۱۳	۱. اختلاف مصنف
۱۱۴	۲. عدم پشتیبانی کامل رسال خط از قرائت
۱۱۴	۳. اختلاف لهجه ها
۱۱۵	۴. دریافت غیر مستقیم آیات نازل شده
۱۱۵	قراء سبعة
۱۱۹	حجیت قرائات سبعة
۱۱۹	دلیل اول؛ حدیث «سبعة احرف»
۱۱۹	تواتر حدیث «سبعة احرف» نزد اهل سنت
۱۲۱	معنای حدیث «سبعة احرف» نزد اهل سنت
۱۲۵	حدیث «سبعة احرف» در طرق شیعه
۱۲۶	نتیجه بحث درباره حدیث «سبعة احرف»
۱۲۸	روایات معارض با حدیث «سبعة احرف»
۱۲۸	دلیل دوم؛ تواتر قرائات
۱۲۹	دلایل تواتر قرائات ها
۱۳۱	دلایل عدم تواتر قرائات ها
۱۳۲	ریشه قرائات سبعة

۱۳۳	عوامل موفقیت ابن مجاهد در انحصار قرائات
۱۳۴	موضع عالمان اهل سنت
۱۳۶	موضع عالمان شیعه
۱۳۶	اقسام قرائت
۱۳۶	الف) قرائت صحیح
۱۳۷	ب) قرائت شاذ
۱۴۰	قرائت عاصم به روایت حفص
۱۴۳	فصل پنجم: اعجاز قرآن
۱۴۳	خلاصه فصل
۱۴۴	اعجاز و تحدی
۱۴۵	تحدی در قرآن
۱۴۸	ترتیب آیات تحدی
۱۵۰	پاسخ به تحدی
۱۵۳	جاودانگی معجزه
۱۵۴	جاودانگی اعجاز قرآن
۱۵۵	جاودانگی اعجاز قرآن از منظر قرآن
۱۵۶	شمول تحدی
۱۵۶	الف) شمول افرادی
۱۵۶	ب) شمول زمانی
۱۵۷	ارکان معجزه
۱۵۸	ثبوت اعجاز
۱۶۰	استدلال قرآن بر بشری نبودن آن
۱۶۱	یک نکته درباره مقدمه اول
۱۶۲	دو نکته درباره مقدمه دوم

۱۶۳		وجوه اعجاز قرآن
۱۶۴		الف) اعجاز بیانی
۱۶۴		۱. فصاحت کلمه و کلام
۱۶۵		۲. بلاغت در جملات
۱۶۶		۳. هنرهای بدیع و آرایه‌های ادبی
۱۶۶		ب) اخبار از غیب
۱۶۷		ج) جامعیت قرآن
۱۶۸		یک شبه و پاسخ آن
۱۷۲		د) اعجاز شریعی
۱۷۳		ه) اعجاز علمی
۱۷۴		و) اعجاز عددی
۱۷۵		ز) صرفه
۱۷۷		فصل ششم: تحریف قرآن
۱۷۷		خلاصه فصل
۱۷۸		مقدمه
۱۸۱		معنای تحریف
۱۸۱		الف) «تحریف» در لغت
۱۸۲		ب) «تحریف» در اصطلاح
۱۸۲		انواع تحریف
۱۸۲		۱. تحریف معنوی
۱۸۳		۲. تحریف به نقیصه یا زیاده در حروف و حرکات
۱۸۲		۳. تحریف به نقیصه یا زیاده در یک یا دو کلمه
۱۸۴		۴. ثبت یک آیه یا سوره برخلاف ترتیب نزول
۱۸۴		۵. اختلاف در لهجه

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

۱۸۵	۶. قرآنی بودن یا نبودن برخی از عبارات مصحف موجود
۱۸۵	۷. تبدیل کلمات
۱۸۶	۸. تحریف به زیاده
۱۸۶	۹. تحریف به نقیصه
۱۸۶	ادله تحریف قرآن
۱۸۷	دلیل اول؛ لزوم تطابق امت پیامبر ﷺ با امت های پیشین
۱۹۰	بررسی دلیل اول
۱۹۱	توجیه روایات
۱۹۲	دلیل دوم؛ تفاوت مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام با مصحف موجود
۱۹۳	بررسی دلیل دوم
۱۹۴	۱. ترتیب سوره ها
۱۹۴	۲. وجود اضافات
۱۹۵	دلیل سوم؛ ملازمه کیفیت جمع قرآن با تحریف
۱۹۵	مقدمه اول
۱۹۶	مقدمه دوم
۱۹۶	بررسی دلیل سوم
۱۹۷	دلیل چهارم؛ روایات
۱۹۷	دسته اول
۲۰۱	بررسی دسته اول
۲۰۱	دسته دوم
۲۰۴	بررسی دسته دوم
۲۰۴	یکم: ضعف سند
۲۰۴	دوم: نارسایی دلالت
۲۰۵	سوم: تعارض با روایات عرضه به قرآن
۲۰۵	چهارم: تعارض با روایات دال بر عدم ذکر نام اهل بیت علیهم السلام

۲۰۶		دسته سوم
۲۰۷		بررسی دسته سوم
۲۰۸		دسته چهارم
۲۱۰		بررسی دسته چهارم
۲۱۱		دسته پنجم
۲۱۲		بررسی دسته پنجم
۲۱۲		دسته ششم
۲۱۳		بررسی دسته ششم
۲۱۴		دلیل پنجم؛ اعتبار
۲۱۶		بررسی دلیل پنجم
۲۱۷		ادله عدم تحریف
۲۱۷		دلیل اول؛ کتاب
۲۲۴		دلیل دوم؛ دلالت اوصاف قرآن
۲۲۵		دلیل سوم؛ روایات
۲۲۵		۱. حدیث ثقلین
۲۲۵		تقریب اول
۲۲۶		تقریب دوم
۲۲۹		بررسی حدیث ثقلین
۲۲۹		۲. روایات عرضه بر کتاب
۲۳۰		بررسی روایات عرضه بر کتاب
۲۳۱		۳. روایات فضایل سوره‌ها و ختم قرآن
۲۳۳		۴. روایات مبین حکم خاص برای سوره کامل
۲۳۲		احتمال اول
۲۳۴		بررسی احتمال اول
۲۳۴		احتمال دوم

۲۳۵	بررسی احتمال دوم
۲۳۵	احتمال سوم
۲۳۵	بررسی احتمال سوم
۲۳۶	دلیل چهارم؛ عقل
۲۳۶	بررسی احتمال اول
۲۳۶	فرض اول
۲۳۷	فرض دوم
۲۳۷	فرض سوم
۲۳۷	بررسی فرض اول
۲۳۷	بررسی فرض دوم
۲۳۸	بررسی فرض سوم
۲۳۸	بررسی احتمال دوم
۲۳۹	بررسی احتمال سوم
۲۴۱	فصل هفتم: چیستی تفسیر و امکان آن
۲۴۱	خلاصه فصل
۲۴۱	معنای تفسیر
۲۴۱	تفسیر در لغت
۲۴۲	تفسیر در اصطلاح
۲۴۵	معنای تأویل
۲۴۵	تأویل در لغت
۲۴۶	تأویل در اصطلاح
۲۴۷	تأویل در کلام علامه طباطبائی
۲۴۸	تأویل در قرآن
۲۵۱	امکان تفسیر قرآن

۲۵۱	بخش اول: ادله عدم امکان مطلق تفسیر قرآن
۲۵۱	دلیل اول؛ عدم توانایی عموم مردم برای درک قرآن
۲۵۲	بررسی دلیل اول
۲۵۵	دلیل دوم؛ تفسیر، وظیفه اختصاصی معصومان علیهم السلام
۲۵۵	دسته اول
۲۵۶	بررسی
۲۵۶	دسته دوم
۲۵۸	بررسی
۲۵۸	دسته سوم
۲۵۹	بررسی
۲۵۹	دلیل سوم؛ روایات نهی از جدال و تخصم در قرآن
۲۶۰	بررسی دلیل سوم
۲۶۰	دلیل چهارم؛ روایات نهی از تفسیر به رأی
۲۶۱	بررسی دلیل چهارم
۲۶۳	بخش دوم: دلیل عدم امکان تفسیر قرآن فی الجملة
۲۶۳	دلیل؛ وجود آیات متشابه در قرآن
۲۶۴	بررسی دلیل
۲۶۶	اهمیت روایات در تفسیر قرآن
۲۶۶	ادله قرینه بودن روایات
۲۶۶	دلیل اول: سیره عقلا
۲۶۸	دلیل دوم؛ قرآن
۲۷۰	دلیل سوم؛ روایات
۲۷۱	فصل هشتم: منابع تفسیر
۲۷۱	خلاصه فصل

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

۲۷۱	مقدمه
۲۷۳	منابع تفسیر قرآن
۲۷۳	۱. قرآن
۲۷۳	دلیل اول؛ سیره عقلا
۲۷۴	دلیل دوم؛ قرآن
۲۷۵	دلیل سوم؛ روایات
۲۷۵	دلیل چهارم؛ سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام)
۲۷۶	دلیل پنجم؛ سیره اصحاب
۲۷۸	قواعد بهره‌گیری از آیات در تفسیر
۲۷۸	قاعده اول؛ قرآن مَلَک پذیرش روایات
۲۷۹	قاعده دوم؛ تعیین مصدق توسط آیات
۲۸۰	قاعده سوم؛ حل تعارض ظاهری آیات
۲۸۲	قاعده چهارم؛ کشف خصیص و تنقیذ
۲۸۲	قاعده پنجم؛ حکمت باری
۲۸۲	قاعده ششم؛ پاسخ به برخی از پرسش‌ها
۲۸۴	قاعده هفتم؛ انضمام آیات مرتبط
۲۸۴	۲. روایات
۲۸۵	دلیل اول؛ قرآن
۲۸۶	دلیل دوم؛ سیره عقلا
۲۸۶	دلیل سوم؛ سیره عملی مسلمانان
۲۸۷	انواع روایات تفسیری
۲۸۷	نوع اول؛ روایات مبین احکام
۲۸۷	نوع دوم؛ روایات مبین مصادیق
۲۸۸	نوع سوم؛ روایات مبین مفردات
۲۸۹	نوع چهارم؛ روایات مبین آیه

نوع پنجم؛ روایات مبین تأویل و معنای باطنی	۲۹۰
بررسی شبهه عدم اعتبار روایات تفسیری	۲۹۲
ادله عدم اعتبار روایات تفسیری	۲۹۴
دلیل اول	۲۹۵
بررسی دلیل اول	۲۹۶
دلیل دوم	۲۹۷
راه حل آیت الله خوئی	۲۹۸
بررسی کلام آیت الله خوئی	۲۹۹
بررسی دلیل دوم	۳۰۰
۳. منابع تاریخی	۳۰۱
قواعد به گری از تاریخ در تفسیر	۳۰۱
قاعده نخست؛ یافتن حلقه های مفقوده قصص قرآن	۳۰۲
قاعده دوم؛ شناخت فرهنگ زمان نزول	۳۰۲
قاعده سوم؛ شناخت روش های پیامبر ﷺ	۳۰۳
قاعده چهارم؛ شناخت حوادث پس از اسلام	۳۰۳
شروط استفاده از منابع تاریخی	۳۰۳
۴. عقل	۳۰۴
چگونگی بهره مندی از عقل در تفسیر	۳۰۴
جهت اول: عقل به منزله قرینه لفظی	۳۰۵
جهت دوم: عقل به منزله ابزار فهم قرآن	۳۰۶
وجه تقدم عقل بر دیگر منابع تفسیر	۳۰۹
تقدم عقل بر آیات	۳۰۹
تقدم عقل بر روایات	۳۱۰
تقدم عقل بر منابع تاریخی	۳۱۰
بررسی منبع بودن لغت	۳۱۱

۳۱۳	فصل نهم: علوم پیش‌نیاز تفسیر
۳۱۳	خلاصه فصل
۳۱۳	مقدمه
۳۱۴	عوامل نیازمندی تفسیر به علوم دیگر
۳۱۵	۱. دورشدن از عصر نزول
۳۱۵	۲. صیانت قرآن از تحریف
۳۱۶	۳. ورود گسترده غیرعرب‌ها به جهان اسلام
۳۱۶	میزان آشنایی با پیش‌نیازها
۳۱۷	علوم پیش‌نیاز تفسیر
۳۱۷	۱. علوم ادبی
۳۱۸	۱-۱. لغت
۳۱۹	۱-۲. صرف
۳۲۲	۱-۳. نحو
۳۲۳	۵ و ۴-۱. معانی و بیان
۳۲۴	۲. کلام
۳۲۴	۳. اصول فقه
۳۲۵	۴. فقه
۳۲۶	۵. رجال و درایه
۳۲۶	۶. علوم تجربی و انسانی
۳۲۸	۷. علم الموهبة
۳۲۸	فصل دهم: روش‌های تفسیری
۳۲۸	خلاصه فصل
۳۳۲	چیستی روش تفسیر
۳۳۲	اهمیت بحث از روش‌های تفسیری

۳۳۳	ملاک اعتبار یک روش تفسیری
۳۳۳	تقسیمات روش‌های تفسیر
۳۳۳	۱. از لحاظ تعداد منبع
۳۳۴	۲. از لحاظ خود منبع
۳۳۴	۳. از لحاظ مداخلیت اجتهاد و عدم آن
۳۳۵	۴. از لحاظ چینش مطالب
۳۳۵	تفاوت بین روش و گرایش تفسیری
۳۳۵	عوامل پیدایش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری
۳۳۶	۱. تبیین و تشریح آیات توسط پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام
۳۳۶	۲. گسترش سرزمین‌های اسلامی
۳۳۶	۳. ظهور فرقه‌های مذهبی و دینی
۳۳۷	سیر اجمالی تطوّر تفسیر
۳۳۷	۱. عصر پیامبر ﷺ
۳۳۹	۲. عصر صحابه
۳۴۰	۳. عصر تابعین
۳۴۲	مکاتب تفسیری
۳۴۲	الف) مکتب مکه
۳۴۴	ب) مکتب مدینه
۳۴۵	ج) مکتب عراق
۳۴۷	روش‌های اصلی تفسیر
۳۴۷	الف) تفسیر نقلی (اثری)
۳۴۸	۱. تفسیر روایی
۳۴۸	بررسی اعتبار تفسیر روایی
۳۴۹	۲. تفسیر به قول صحابه و تابعین
۳۴۹	کتب تفسیری روایی

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

۳۴۹	مهم‌ترین تفاسیر روایی شیعه
۳۵۱	مهم‌ترین تفاسیر روایی اهل سنت
۳۵۲	آفات روش تفسیری نقلی
۳۵۴	ب) تفسیر اجتهادی
۳۵۴	تعریف مشهور
۳۵۵	بررسی تعریف مشهور
۳۵۶	نظریه‌های از بزرگان
۳۵۷	تعریف برگزیده
۳۵۷	محل نزاع موافقان و مخالفان تفسیر اجتهادی
۳۵۸	گستره عقل منیع در تفسیر
۳۵۹	نسبت تفسیر اجتهادی و تفسیر عقلی
۳۶۰	آفت روش تفسیری اجتهادی با عقلی
۳۶۰	تفسیر به رأی
۳۶۱	تفاوت تفسیر به رأی با فهم مفسر
۳۶۲	تفسیر به رأی در روایات
۳۶۳	روش اهل بیت (علیهم‌السلام) در تفسیر
۳۶۴	ویژگی‌های روش تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)
۳۶۴	۱. استفاده از آیات دیگر برای تفسیر
۳۶۵	۲. استفاده از سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
۳۶۵	۳. امر به تدبیر در قرآن
۳۶۵	ادله موافقان و مخالفان روش تفسیری اجتهادی و عقلی
۳۶۵	ادله موافقان
۳۶۵	دلیل اول؛ قرآن
۳۶۵	الف) آیات تدبیر
۳۶۷	ب) آیه استنباط

۳۶۷	دلیل دوم؛ روایات
۳۶۸	دلیل سوم؛ سیره اهل بیت علیهم السلام و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۶۹	بررسی دلیل سوم
۳۶۹	دلیل چهارم؛ سیره مفسران
۳۷۰	دلیل پنجم؛ کمبود روایات تفسیری
۳۷۰	دلیل ششم؛ عقل تنها راه تفسیر صحیح برخی از آیات
۳۷۱	ادله مخالفان
۳۷۱	دلیل اول؛ قرآن
۳۷۲	بررسی دلیل اول
۳۷۲	دلیل دوم؛ روایات
۳۷۳	بررسی دلیل دوم
۳۷۵	دلیل سوم؛ خطای فکری عقل
۳۷۵	بررسی دلیل سوم
۳۷۵	دلیل چهارم؛ انسداد باب حمل در احکام الهی
۳۷۵	بررسی دلیل چهارم
۳۷۶	دلیل پنجم؛ ناتوانی عقل مستقل برای درک مقصود خداوند
۳۷۶	بررسی دلیل پنجم
۳۷۷	دلیل ششم؛ شرع، تنها راه فهم مراد شارع
۳۷۷	بررسی دلیل ششم
۳۷۷	نتیجه کلی
۳۷۷	ج) تفسیر علمی
۳۷۷	اهمیت بحث
۳۷۸	جهت اول
۳۷۹	جهت دوم
۳۷۹	جهت سوم

۳۸۰	تعریف روش تفسیری علمی
۳۸۱	تعریف اول
۳۸۱	تعریف دوم
۳۸۲	تعریف سوم
۳۸۲	تعریف چهارم
۳۸۲	بررسی تعاریف
۳۸۳	ادوار تفسیر علمی قرآن
۳۸۳	دوره اول
۳۸۳	دوره دوم
۳۸۴	دوره سوم
۳۸۵	اقوال درباره روش تفسیری علمی
۳۸۶	ادله موافقان
۳۸۶	دلیل اول
۳۸۶	بررسی دلیل اول
۳۸۷	دلیل دوم
۳۸۷	بررسی دلیل دوم
۳۸۸	دلیل سوم
۳۸۸	بررسی دلیل سوم
۳۸۸	دلیل چهارم
۳۸۹	بررسی دلیل چهارم
۳۹۰	دلیل پنجم
۳۹۰	بررسی دلیل پنجم
۳۹۱	ادله مخالفان
۳۹۱	دلیل اول
۳۹۱	بررسی دلیل اول

۳۹۲	دلیل دوم
۳۹۲	بررسی دلیل دوم
۳۹۳	دلیل سوم
۳۹۳	بررسی دلیل سوم
۳۹۴	دلیل چهارم
۳۹۴	بررسی دلیل چهارم
۳۹۵	دلیل پنجم
۳۹۵	بررسی دلیل پنجم
۳۹۵	دلیل ششم
۳۹۶	بررسی دلیل ششم
۳۹۶	دلیل هفتم
۳۹۷	بررسی دلیل هفتم
۳۹۸	دلیل هشتم
۳۹۹	بررسی دلیل هشتم
۳۹۹	نتیجه
۳۹۹	نظر برگزیده (تفصیل)
۴۰۰	جهات چهارگانه دخیل در تفصیل
۴۰۲	نتیجه
۴۰۳	(د) روش تفسیری باطنی
۴۰۵	دو دیدگاه درباره روش تفسیری باطنی
۴۰۵	یکم: تفسیر قرآن تنها براساس کشف و شهود شخصی
۴۰۵	دوم: تفسیر قرآن براساس کشف و شهود و رعایت ضوابط و قوانین تفسیری
۴۰۶	چیستی تفسیر باطنی
۴۰۶	ملاک اعتبار روش تفسیری باطنی
۴۰۷	یکم: تناسب بین ظاهر و باطن

مقدمات بنیادین تفسیر قرآن

دوم: رعایت اصول و ضوابط قطعی تفسیر ۴۰۷

سوم: سازگاری با روح قرآن و تعالیم دینی ۴۰۷

چهارم: موافقت شواهد و قرائن ۴۰۸

جمع بندی ۴۰۸

کتاب نامه ۴۱۱

سخن آغازین

قرآن کلامی الهی است که در قالب واژه‌های زمینی و برای رسیدن بشر به سعادت دنیوی و اخروی نازل شده است. آشکار و مبرهن است که وصول به سعادت دنیا و آخرت، حاصل عمل به تعالیم قرآن، و قهراً به کارگیری این آموزه‌ها مبتنی بر فهم آن است. قرآن ذکری مبارک^۱ است که در طول دوره پس از بعثت بر قلب اشرف مخلوقات نازل شده و حقیقت این ذکر را کسی جز نازل‌کننده آن و غوطه‌وران در علم الهی نمی‌دانند.^۲ از این رو آشکار کردن حقایق قرآن در مرحله نخست، بر عهده کسی است که قلب مبارکش ظرف دریافت آن گردید تا حقایقش را به مردم بیاموزد و آنان نیز تفکر کنند و سپس آن را به کار بندند.^۳

خطاب و عتابی نظیر «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ...»^۴ نشان‌دهنده این واقعیت است که مخاطبان قرآن نیز وظیفه دارند برای فهم، تبیین و تفسیر آن بکوشند و ناگفته پیداست که پیمودن این مسیر، مانند هر کار مهم و تخصصی دیگر نیازمند آشنایی با مصادرات آن است تا هم مفسر و هم مخاطبان او بتوانند به درستی نتیجه این تلاش مبارک را حسینان پیدا کنند.

۱. رک: انبیاء، آیه ۵۰.

۲. رک: آل عمران، آیه ۷.

۳. رک: نحل، آیه ۴۴.

۴. نساء، آیه ۸۲ و محمد، آیه ۲۴.

مؤسسه دارالمعرفة، که یکی از مأموریت‌های خود را تبیین آموزه‌های برگرفته از قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده و تاکنون نیز گام‌هایی در این جهت برداشته، در راستای عمل به وظیفه ذاتی خویش اقدام به آماده‌سازی این اثر نموده است.

اثر حاضر که «مقدمات بنیادین تفسیر قرآن» نام گرفته، حاصل مطالعات دقیق در این موضوع مهم و تدریس آن از سوی آیت‌الله سیدمجتبی نورمفیدی است که پس از تنظیم و تدوین، همراه با حذف برخی مطالب غیرضروری و افزودن موارد لازم توسط فاضل ازجمله جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی موسوی در اختیار جویندگان معارف اسلامی قرار می‌گیرد. ضمن تشکر از ایشان و نیز فرهیخته گرامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی مسعودی که پیگیر امور از آغاز تا انجام بودند، امید است با عنایت خداوند متعال، این گام ناچیز به توسعه و تعمیق آموزه‌های الهی کمک نموده و بهر ارزشش یابد.

در پایان از مدیریت و دست‌اندرکاران تولید مؤسسه بوستان کتاب که در آماده‌سازی و چاپ و نشر اثر تلاش نمودند سپاس‌گزاری می‌نمایم.

پیش‌گفتار

در دوره‌ای از تاریخ بشر، بسیاری از مردم، خود را به تاریک‌ترین برههٔ تاریخ کشاندند و قلمرو ذهن خود را به طور کامل زیر چتر شوم جهالت قرار دادند و کار به جایی رسید که «حَقِّ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ»^۱ در آن روزگار و در نقطه‌ای از کرهٔ خاکی که ضلالت و جهالت، انسانیت را به چالش کشیده و تقریباً بر آن چیره شده بود، شاید کسی گمان نمی‌برد که زمان، آیین روی‌آوردی است که همهٔ محاسبات را برهم خواهد زد: طلوع خورشیدی که پرده‌های ظلمت را از همهٔ ساحات‌های زندگی کنار زند و در واپسین لحظه، بشر ناامید از نجات و ایستاده بر لبهٔ برنگاه شقاوت را دستگیری کند! اما به‌ناگاه، رسول مهربانی‌ها «عَلَى حِينٍ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ»^۲ معوت شد و هم‌زمان، نوری به بارش آمد که باید به آن اقتدا کرد.^۳

نوری که نه تنها توانست بشر را از غرق‌شدن در گرداب‌های سهم‌گین سرگردانی و بی‌هویتی برهاند و به ساحل امن نجات برساند، که او را به قلعهٔ استوارترین راه‌ها هدایت کرد.^۳ هدایت‌کننده‌ای که جویندگانش را راهنمایی می‌کند و برای آنان که

۱. یوسف، آیه ۱۱۰.

۲. رک: نهج/البلاغه، خطبه ۱۵۸، ص ۲۲۳: «أَرْسَلَهُ عَلَى حِينٍ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَطَوَّلَ هَجْعَةً مِنَ الْأُمَمِ وَأَنْتِقَاضٍ مِنَ الْمُبَرَّمِ فَجَاءَهُمْ بِتَضْيِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَالْثَوْرِ الْمُقْتَدَى».

۳. رک: اسراء، آیه ۸۲: «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».

به اصرار، بر لبه پرتگاه باقی مانده‌اند، چیزی جز خسران ندارد.^۱ کلامی که برتری آن بر دیگر سخنان، مانند برتری خداوند است بر بندگان،^۲ و چه زیبا فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام:

بدانید که قرآن خیرخواهی است که خیانت نمی‌کند و هدایتگری است که گمراه نمی‌گرداند و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید... بدانید که همانا قرآن... گوینده‌ای است که گفتارش تصدیق شده است... آن را بر خدای خود راهنما قرار دهید؛ برای خود از قرآن نصیحت بخواهید؛ آرای خود را که برخلاف قرآن است متهم کنید و خواهش خود را که مخالف قرآن است خائن بدانید...^۳

در جایی دیگر می‌فرماید:

از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید؛ اما من از معارف آن به شما خبر می‌دهم.^۴

استنطاق از قرآن مراتبی متعدد دارد که هریک به سطحی از ظرفیت آن اشاره می‌کند؛ اما شاید بتوان به بحث تفسیر، به عنوان یکی از مراتب استنطاق قرآن توجه کرد. البته به عقیده نگارنده، هم‌چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام خود اشاره فرمودند، اگرچه قرآن سخن‌ها برای گفتن دارد، استنطاق از آن بدون بیان اهل بیت علیهم السلام بی‌پاسخ می‌ماند و حاصل آن چیزی جز برداشت‌های سطحی و گاه تضامی از کلام الله نیست و نتیجه‌ای جز این خطاب ندارد: «فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».^۵

۱. رک: اسراء، آیه ۹: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَفْوَجُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا».

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَضَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ فَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْهِ عِلْمَهُ».

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، ص ۲۵۲: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ الْقَاصِخُ الَّذِي لَا يَعْشُ وَالْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ ... وَاعْلَمُوا أَنَّهُ ... قَائِلٌ مُصَدِّقٌ ... وَاسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ وَاسْتَنْصَحُوهُ فِي أَنْفُسِكُمْ وَاتَّبِعُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ ...».

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۱ و نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸، ص ۲۲۳: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِفُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ».

۵. رک: فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۵.

اگر قرآن پیمان خداوند با خلقتش می باشد که سزاوار است انسان هر روز به آن بنگرد و قرائتش کند،^۱ پس باید آن را بفهمد و به کار بندد؛ زیرا چه بسا خواننده قرآن که قرآن او را لعن می کند^۲ و این تفسیر است که راه را برای فهم مردمان می گشاید تا به قرآن عمل کنند. بی گمان تفسیر قرآن مقوله ای بسیار پیچیده است و بدون اغراق می توان گفت این کار، بی شباهت به گام برداشتن در مرز هدایت و ضلالت نیست، اما شاید بتوان گفت بدون رجوع به تفسیر، آن هم در عصر غیبت امام عصر (عج)، نمی توان در عرصه تدبیر قرآن - که مورد تأکید و مطالبه صاحب قرآن نیز واقع شده است -^۳ به درستی قدم برگرفت تا چه رسد به عمل کردن به مفاهیم عمیق آن.

درست پیمودن راه صواب در بحث تفسیر، با آن همه راه و کوره راه و گردنه های سخت گذر، مانند هر کار تخصصی دیگر، طریقی مقدماتی دارد که راهرو، ناگزیر از پیمودن موفق آن است؛ زیرا اگر چنین نشود حکایت کار او به همان ضرب المثل می ماند که: «کوری عصاکش کور دگر شود». زحمتی که اگر نگوییم چیزی جز ضلالت و هلاکت در پی ندارد، در بهترین حالت، تلاشی بی حاصل خواهد بود.

نوشته پیش رو که با نام «مقدمات بیان تفسیر قرآن» به زیور طبع آراسته شده، تلاشی فرخنده برای دستیابی به مقدمات ضروری تفسیر است که در آن سعی شده به طور مختصر و مفید به مهم ترین مباحث پیساتفسیری پرداخته شود.

راقم سطور که افتخار تنظیم و تدوین این اثر را از سوی مواف محترم آیت الله سیدمجتبی نورمفیدی، بر عهده داشته، کوشیده است تا با حفظ امانت آرای ایشان را در هریک از مباحث منعکس کند و تا جای ممکن از اعمال نظرهای شخصی بپرهیزد.

۱. رک: الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً».

۲. شعیری، جامع الاخبار، ص ۴۸: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبُّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ».

۳. رک: نساء، آیه ۸۲ و محمد، آیه ۲۴: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»؛ ص، آیه ۲۹: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ».

اثر حاضر در ده فصل تنظیم شده و در عین مختصر بودن، شامل مطالبی سودمند است که بی شک می تواند برای علاقه مندان به این مباحث مفید باشد. کوتاه سخن آن که، تلاش شده است در این کتاب مهم ترین آرای موجود در هریک از ساحت های مقدمات تفسیر معرفی و بررسی شوند.

نگارنده در پایان بر خود لازم می داند پس از تلاش ناقص برای ادای شکر الهی، به جهت توفیق قدم برداشتن در این مسیر مقدس، از مؤلف محترم برای آن که روحیه شاگرد پروری، انتقاد پذیری، صبر و سماحت را در حق این جانب به حد اعلی رساندند، صمیمانه سپاس گزاری کند و از همه عزیزانی که در پیمودن این مسیر، حقیر را مورد عنایت قرار داده اند، قدر دانی نماید. امید است که تلاش این حقیر مورد قبول آستان ملک پاسبان قرآن ناطق، حضرت نبیة الله الاعظم روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرد.

ومن الله التوفیق

سید مهدی موسوی - قم المقدسة

۱۳۹۷ ش / ۱۴۳۹ ق

مقدمه

بهشتار پیش رو با عنوان «مقدمات بنیادین تفسیر قرآن» بر آن است تا برخی از مهم‌ترین مقدمات این علم را به مخاطبان خویش عرضه کند؛ زیرا مقدمات تفسیر که از آن به «مدخل التفسیر» نیز تعبیر می‌شود، علوم یا موضوعات علمی هستند که فهم و شناخت قرآن، به نوعی مؤثر با دانستن این امور در ارتباط است.

قرآن، در بیان ثقلین

بایسته به نظر می‌رسد که برای فهم یک متن - به‌رغم هرمنوتیک فلسفی - باید برای پدیدآورنده آن نیز نقشی درخور او فائل شد - هرچند که استدلال بر آن، مجالی دیگر می‌خواهد - زیرا از جمله مواردی که برای به‌دست آوردن سطح انتظار از یک متن باید در نظر گرفت، نگاهی است که پدیدآورنده متن به آن دارد یا درصدد القای آن نگاه به مخاطبان است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَلُ بَيْتِي عَثَرَتِي^۱

من در میان شما دو چیز به‌جا می‌گذارم، که اگر به آن‌ها بگروید هرگز گمراه نشوید؛ کتاب خداوند عزوجل و خاندانم، عترتم.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

از این کلام می‌توان دریافت که در این باره، نظر خالق قرآن را باید در دو جایگاه از هم ناگسستنی، جست‌وجو کرد؛ در خود قرآن و به همراه آن در سخنان مفسران واقعی آن یعنی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام.

قرآن در قرآن

نمی‌توان برای درک مفاهیم و سخن خداوند به قرآن مراجعه کرد، اما به آنچه دربارهٔ ویژگی‌های این کلام گفته است، بی‌توجه بود. خداوند متعال از جهات مختلف قرآن را معرفی کرده است.

نگاه اجمالی به عناوین صفاتی که خداوند برای قرآن برشمرده است، می‌تواند سطح انتظار از مطالب این کتاب عزیز را آشکار کند. صفاتی چون «مبین» و «نور»،^۱ و از همه مهم‌تر «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» تا اندازه‌ای نشان‌دهندهٔ عمق نگاهی است که می‌توان به معارف قرآن داشت.

قرآن در روایات

با نگاهی به جوامع روایی، این حقیقت را به طور کامل می‌توان دریافت که بخشی درخور توجه از روایات اسلامی عهده‌دار بیان مسائل مربوط به قرآن است. تفسیر، تأویل، شأن و اسباب نزول و مانند این‌ها از جمله مسائل هستند که روایات اسلامی با ملاحظات آن‌ها را بیان کرده‌اند. برای مثال اگر پژوهشگری بخواهد روایات مربوط به «فضل قرآن» را مطالعه و بررسی کند کافی است نگاهی به جلد هشتاد و نهم کتاب

۱. نساء، آیه ۱۷۴: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا»؛ ای مردم، به یقین از سوی پروردگارتان برای شما برهان [و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش] آمد، و نور روشنگری [مانند قرآن] به سوی شما نازل کردیم.

۲. نحل، آیه ۸۹: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنًا لَّكُلِّ شَيْءٍ»؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است... بر تو نازل کردیم.

بحار الأنوار بیندازد تا به بسیاری از این روایات دست یابد. البته این گستردگی و فراوانی روایات را در منابع اهل سنت نیز می توان مشاهده کرد.^۱ در ادامه به چند نمونه از روایات فضل قرآن اشاره می شود.

۱. از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند:

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ^۲

برتری قرآن بر دیگر سخن ها مانند برتری خداوند بر مخلوقات است.

اگر کلمات و کتاب ها با هم مقایسه شوند، برتری کلام خدا بر دیگر کلمات و برتری کتاب خدا بر دیگر کتاب ها، مانند برتری خداوند بر مخلوقات اوست؛ یعنی همان گونه که فاصله بین خدا و مخلوقات او را نمی توان محاسبه کرد، فاصله بین کلام خدا و کلام بشر نیز به تصور نمی آید.

۲. روزی حارث همدانی^۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مسئله ای پرسشی کرد. حضرت در پاسخ، ضمن بیان مطالبی از زبان پیامبر ﷺ نکاتی را درباره فضیلت قرآن نقل کردند و فرمودند: در آینده فتنه هایی اتفاق خواهد افتاد که راه خروج از آن ها پناه بردن به کتاب خداست. فرمودند:

كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ بَيَانٌ مَّا قَبْلَكُمْ مِنْ خَيْرٍ وَ خَيْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمٌ مَّا بَيْنَكُمْ^۴

کتاب خدا چیزی است که تبیین آنچه پیش از شما رخ داده است، و خبر آنچه پس از شما اتفاق می افتد و همچنین حکم مابین شما در آن وجود دارد.

۱. برای نمونه، رک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۴ و حسین بن مسعودی، معارج التنزیل، ج ۱، ص ۳۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱ و سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. ابو زهیر حارث بن عبدالله بن کعب بن اسید بن خالد بن حوث، معروف به «حارث همدانی» از قبیله «همدان» یمنی و از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی از اعضای گروه «قراء» به ریاست مالک اشتر در کوفه، به سعید بن عاص - والی منصوب از سوی خلیفه وقت - مخالفت کرد و همراه مالک اشتر و دیگران به مدینه رفتند و خواستار برکناری او شدند؛ اما خلیفه وقت توجهی نکرد و آن ها را به شام تبعید نمود. او در سال ۶۵ یا ۶۶ ق هم زمان با قیام توأبین، در کوفه وفات یافت.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۴.

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای برخی از فضایل قرآن را بیان کرده و فرمودند:

تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَتَفْقَهُوا فِيهِ
فَائِدَةَ رَبِيعِ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَأَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ
أَحْسَنُ الْقَصَصِ؛

کتاب خدا را بیاموزید که بهترین گفتار و رساترین پند است. قرآن را بفهمید چون بهار
دل‌هاست. از نور این کتاب درمان بجوید که شفای سینه‌هاست؛ زیبا تلاوتش کنید که
بهترین سرگذشت‌هاست.

پیشینه بحث از مقدمات تفسیر

از جمله ثمرات بررسی پیشینه یک موضوع، از یک سو آن است که محقق با توجه
به آن، تلاش خواهد کرد تا در مسیر روشن شدن اطراف یک مسئله به نکاتی بیندیشد
که نقش آن‌ها در رسیدن به پاسخ پرسش‌ها مؤثرتر باشد و از سوی دیگر برای مخاطب
نیز این فایده را در پی خواهد داشت که قدرت نقد او درباره آن مسئله را افزایش
می‌دهد. با همین نگاه، پیشینه موضوع این نوشتار به اختصار بیان می‌شود. البته باید
دانست که دو عنوان «مقدمات تفسیر» یا «مدخل التفسیر» از جمله عناوینی هستند که
در گذشته‌ای نه‌چندان دور مستقل نبوده و بیشتر در بهانه‌ای موضوعات مرتبط با
علوم قرآن بررسی شده‌اند. از همین رو ضروری است که برای شناخت پیشینه این
بحث، ابتدا به تاریخ تدوین کتاب‌هایی که با موضوعات علوم قرآن مرتبط‌اند، نگاهی
بیندازیم.

گذری کوتاه بر تاریخ تدوین کتاب‌های علوم قرآن

با جست‌وجو در منابع متعدد، معلوم می‌شود نخستین کتابی که درباره موضوعات

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۵۰.

پیرامونی قرآن نوشته شده، به کوشش ابو عبید قاسم بن سلام^۱ در موضوع اختلاف قرائات قرآن است.^۲

در آن روزگار سخن گفتن از موضوع قرائات قرآن از چنان جذابیتی برخوردار بود که از آن تاریخ تا اواسط قرن دوم چندین کتاب دربارهٔ این موضوع به رشته تحریر درآمد. شایان توجه آن که، تقریباً همهٔ کتاب‌هایی که در این بازهٔ زمانی در موضوع قرآن نوشته شده، دربارهٔ قرائات آن بوده است.

مقاتل بن سلیمان^۳ (م. ۱۵۰ق) نخستین کسی است که در نیمهٔ قرن دوم کتابی با عنوان «الآیات المتشابهات» دربارهٔ متشابهات قرآن نوشته است، که با عنوان «الوجه و النظائر فی القرآن» نیز شناخته می‌شود.^۴

تقریباً تا پایان قرن دوم به دلیل عدم احساس نیاز و نیز به سبب منع کتابت حدیث در کنار کتابت قرآن، کتابی مستقل در موضوعات متنوع قرآنی دیده نمی‌شود؛ اما می‌توان گفت که از این تاریخ به بعد دورهٔ گسترش تدوین کتاب با موضوعات پیرامونی قرآن آغاز می‌شود. در همین زمینه نخستین کتاب در موضوع اعجاز قرآن توسط ابو عبیده معمر بن مثنی^۵ (م. ۲۰۹ق) نگاشته شد. از آن پس نگارش کتاب‌هایی که

۱. ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی، به اعتبار شخصیت فکری خود به اصحاب حدیث بغداد و به ویژه بزرگ آنان احمد بن حنبل، بسیار نزدیک بود و در عقاید - آن گونه که از سراسر کتاب/الایمان و از دیگر آثار وی برمی‌آید - بر مذهب اصحاب حدیث پای می‌فشرد و مواضع مرجئه، مذهب معتزله و خوارج را نقد می‌کرد. او عثمان را بر علی رضی الله عنه تفضیل می‌داد و با شیعیان برخوردی تند داشت. وی سرانجام در سال ۲۲۴ق از دنیا رفت.

۲. ابوالخیر جزری، *النشر فی القرائات العشر*، ج ۱، ص ۷.

۳. ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر از دی مروزی بلخی از مفسران و محدثان مشهور قرن دوم هجری است. نظرهای ضد و نقیض فراوانی دربارهٔ شخصیت فکری و علمی او وجود دارد. وی به سال ۱۵۰ق در بصره، میان سپرد.

۴. رک: عمر رضا کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۱۲، ص ۳۱۷.

۵. ابو عبیده معمر بن مثنی، راوی و لغت‌شناس بزرگ اوایل عصر عباسی است. از زندگی ابو عبیده، به رغم شهرت بسیارش، آگاهی اندکی در دست است و منابع کهن به اطلاعاتی مختصر دربارهٔ وی بسنده کرده‌اند. اما در مجموع

به طور مستقل درباره موضوعات متنوع قرآنی بود، توسعه پیدا کرد. برای نمونه، ابو عبید قاسم بن سلام (م. ۲۴۴ق) چند کتاب در موضوعات مختلف علوم قرآنی نگاشته است؛ از جمله: ناسخ و منسوخ، اعجاز القرآن، غریب القرآن و فضائل القرآن.^۱

شواهد حاکی از آن است که در این دوره نگارش کتاب‌هایی که به نحوی متضمن چندین موضوع از موضوعات علوم قرآنی باشد، به تدریج آغاز شده است. این روش که در قرن سوم آغاز شد با فرازونشیب‌هایی ادامه پیدا کرد تا آن‌که در قرن‌های هشتم و نهم دو کتاب از مهم‌ترین کتاب‌های علوم قرآن به رشته تحریر درآمد. این دو کتاب از چنان اهمیتی برخوردارند که هنوز هم از حیث جامعیت و استحکام از مهم‌ترین کتاب‌های مرجع علوم قرآنی به‌شمار می‌روند.

کتاب نخست را بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی (م. ۷۹۴ق) در نیمه دوم قرن هشتم با عنوان «البرهان فی علوم القرآن» نوشته، و تقریباً در ۴۷ موضوع از موضوعات علوم قرآنی بحث کرده است. کتاب دوم را جلال‌الدین سیوطی (م. ۹۱۱ق) در اواخر قرن نهم و با عنوان «البرهان فی علوم القرآن» به رشته تحریر درآورده و تقریباً هشتاد موضوع از موضوعات علوم قرآنی را بررسی کرده است. دو کتاب «البرهان» و «الاتقان» بخش عمده‌ای از سسائل مربوط به علوم قرآن را در خود جای داده‌اند.

مفصل‌ترین کتابی که در قرون اخیر درباره علوم قرآن نوشته شده، کتاب «مناهل العرفان فی علوم القرآن» نوشته محمد عبدالعظیم الزرقانی (م. ۱۳۶۷ق) است. البته فراوانی موضوعات مطرح‌شده در این کتاب از اهمیت دو کتاب البرهان والاتقان نمی‌کاهد.

می‌توان گفت او شاعر و نویسنده عراقی ارمنی‌الأصل در سده دوم هجری بود. پدرش از «باجروان» ارمنستان بود. در بصره زاده شد و از آخفش و ابو عمرو بن العلاء و یونس بن حبیب درس آموخت. او از خوارج بود و تمایلات تند ملی‌گرایانه عربی داشت و سرانجام در بصره بین سال‌های ۲۰۸ تا ۲۱۳ق از دنیا رفت.

۱. معرفت، علوم قرآنی، ص ۹.

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که در مقدمه برخی از کتاب‌های تفسیری از جمله تفسیر «مجمع البیان»، اثر امین الاسلام طبرسی (م. ۵۴۸ق) بعضی از موضوعات علوم قرآنی بیان شده است. هم‌چنین تفسیر «الصافی» اثر ملا محسن فیض کاشانی (م. ۱۰۹۰ق) از جمله تفاسیر شیعی می‌باشد که مقدمه آن متضمن حدود پانزده مبحث از مباحث علوم قرآنی است. در همین قرن هاشم بن سلیمان بحرانی (م. ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق) در مقدمه تفسیر «البرهان» نیز عهده‌دار بیان برخی از این مسائل شده است. در قرن حاضر نیز تفسیر «البیان» اثر آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی (م. ۱۴۱۳ق) متضمن بعضی از مباحث علوم قرآنی است. با وجود این که تلاش در این عرصه هم‌چنان ادامه دارد اما می‌توان گفت با ورود کتاب «التمهید فی علوم القرآن» اثر آیت‌الله محمد هادی معرفت (م. ۱۳۸۵ش) این تلاش‌ها به اوج ثمردهی خود نزدیک شده است.

ضرورت بحث از مقدمات تفسیر

دانستن مقدمات تفسیر از آن جهت که مداخل فهم و شناخت قرآن است، ضروری به نظر می‌رسد. ضرورت شناخت بعضی از این مباحث، مانند بحث از اختلاف قرائات، روشن و واضح است و تأثیر این قرائات در استظهار از آیات قرآن نیازی به برهان ندارد؛ برای مثال اگر اعجاز قرآن ثابت نشود و کلامی عادی مانند دیگر کلمات شمرده شود، دلیلی بر اهتمام ویژه در فهم دقیق معنای آن در دست نخواهد بود. دخالت برخی از مباحث در تفسیر نیز اگرچه به روشنی برخی دیگر نیست، با اندکی تأمل و دقت، مداخلیت آن در فهم قرآن آشکار می‌شود. این نوشته بر آن است تا به طور خلاصه و اجمالی مهم‌ترین مباحث مربوط به علوم قرآنی را که نقشی اساسی و بنیادین در فهم و تفسیر قرآن دارد، بررسی می‌کند.

نسبت علوم قرآن و مقدمات تفسیر

ابتدا لازم است وجه نام‌گذاری این مباحث به «علوم قرآن» و نه «علم القرآن» بیان

گردد. به نظر می‌رسد وجه این تسمیه آن است که مباحث مطرح شده در «علوم قرآن» به نوعی از یکدیگر استقلال دارند و به هم مرتبط نیستند. به همین دلیل نمی‌توان نظامی منطقی و ترتیبی خاص مانند آنچه در دیگر علوم همچون «منطق» یا «اصول فقه» وجود دارد، بین موضوعات علوم قرآنی یافت. از سوی دیگر از آن‌جا که همه این مطالب درباره مسئله‌ای از مسائل قرآن است و درحقیقت به نوعی با قرآن ارتباط دارد، پس با کمی اغماض می‌توان مجموع آن‌ها را در یک عنوان گردآوری کرد. اکنون با توجه به آنچه گفته شد و نیز با ملاحظه معنای عنوان «مقدمات تفسیر»، به نسبت بین این دو عنوان به اجمال اشاره می‌شود.

بی‌تردید برخی از مباحث «مقدمات تفسیر» مانند مبحث «اختلاف قرائات» در علوم قرآنی جای می‌گیرند؛ از این رو نسبت بین آن‌ها تباین نخواهد بود. هم‌چنین با توجه به این‌که بعضی از علوم قرآنی دخالتی در تفسیر ندارند، نمی‌توان آن‌ها را در زمره «مقدمات تفسیر» دانست؛ بنابراین نسبت بین آن‌ها تساوی نیز نخواهد بود. از سوی دیگر از آن‌جا که برخی از موضوعاتی که در «مقدمات تفسیر» مورد بحث واقع می‌شوند، از جمله «علوم مورد نیاز تفسیر» در محدوده علوم قرآنی نمی‌گنجند، نمی‌توان این نسبت را عموم و خصوص مطلق دانست. بر این اساس نسبت «علوم قرآن» با «مقدمات تفسیر» نسبت عام و خاص من وجه است. از این رو بیشتر این مباحث از جهتی می‌تواند به منزله مقدمه تفسیر و از جهتی دیگر می‌تواند شعبه‌ای از علوم قرآن باشد.

با توجه به آنچه گذشت، معلوم می‌شود که منظور از «مقدمات تفسیر» بعضی آنچه در تفسیر تأثیر داشته و مقصود از علوم قرآنی، مطلق مباحث مربوط به قرآن است؛ اعم از آن‌که در تفسیر آیات تأثیر داشته باشند یا خیر. پرواضح است که بعضی از مباحث علوم قرآنی، تأثیری مستقیم در تفسیر ندارند؛ مثلاً شناسایی پدیده وحی و این‌که حقیقت وحی چیست، به طور کلی تأثیری در تفسیر نخواهد داشت؛ اما برای نمونه، مبحث آیات ناسخ و منسوخ یا آیات متشابه، نقشی مؤثر در تفسیر دارند.

بر این اساس بررسی بسیاری از مباحث علوم قرآنی، به دلیل عدم تأثیر مستقیم در تفسیر، در این مقام ضروری به نظر نمی‌رسد؛ اما این به معنای عدم ورود به این مباحث نیست؛ برای نمونه مسائلی مانند حقیقت وحی و کیفیت نزول آن در کتاب‌های علوم قرآنی متقدمان و متأخران شیعه و اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است، در حالی که تأثیری مستقیم در تفسیر ندارند؛ ولی چون موضوعاتی همچون «وحيانی بودن الفاظ قرآن» مسئله روز درباره قرآن بوده است، بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. نمونه دیگر، بحث «کیفیت نزول قرآن» است که به رغم مفید بودن، تأثیری مستقیم در تفسیر ندارد؛ اما در همین مبحث، مسئله «اسباب نزول»، یکی از مسائلی است که اهمیت آن در تفسیر بر محققان پوشیده نیست.

موضوع این نوشتار

با توجه به تأثیری که برخی از مباحث علوم قرآنی در تفسیر دارند، می‌توان این مباحث را به دو قسم تقسیم کرد:

قسم اول؛ مباحثی که تأثیری مستقیم در تفسیر دارند.

قسم دوم؛ مباحثی که تأثیری مستقیم در تفسیر ندارند.

موضوع این نوشتار قسم اول است؛ یعنی آن بخش از علوم قرآن که مفسر در مقام تفسیر بدان نیازمند است؛ اما در عین حال برخی از مباحث علوم قرآنی که اهمیت خاصی دارند نیز بررسی می‌شوند.

به هر حال تفسیر از جمله علمی است که ورود جدی در آن پیش‌نیازهای متنوعی از علوم را می‌طلبد. بخشی از علمی که در این عرصه، آشنایی با آن‌ها لازم است در علوم قرآنی و بخشی خارج از آن‌اند. منطق، لغت، کلام و اصول فقه را می‌توان از جمله علمی دانست که آشنایی با آن‌ها در تفسیر مورد نیاز است؛ برای مثال مباحثی مانند حجیت ظواهر کتاب و سنت و تخصیص ظواهر کتاب به سنت که در علم اصول فقه بررسی می‌شوند، کاربرد فراوانی در تفسیر دارند. علم کلام نیز از جمله علمی

است که مفسر به آن نیاز دارد و آشنایی با مسائل اعتقادی و براهینی که در علم کلام به آن استدلال می‌شود از الزامات جدی تفسیر به‌شمار می‌آید. البته تبیین نیازمندی به علمی که در مقام تفسیر آیات به آن احتیاج است، به فصل نهم این نوشتار موکول می‌شود.